

❖ روش اجرایی این اصول چیست؟ الان مدل‌های مختلفی مثل خانه محلات و شورای محلات مطرح می‌شود، آیا این‌ها می‌توانند مجری این اصول باشند؟

❖ هرچه هست بایستی جامع‌نگر باشد نه مقطعی و موردی، یک سازمان شاید برای برنامه خاص خودش شورا تشکیل بدهد، یک سازمان دیگر هم شورای دیگری را راه بیندازد؛ این شوراها جدا از هم فایده ندارد. شورا بایستی برای همه‌چیز باشد، علاوه بر این باید در سطوح مختلف رأی‌گیری شود تا نمایندگانی انتخاب شود. از همان سطح خرد، اهداف و وظایف و مسئولیت‌ها را بگیریم، هر محله یک نماینده داشته باشد و در نهایت کل حاشیه را باهم ببینیم.

نکته بعدی این که باید به این شوراها اعتبار بدهیم، من معتقدم تا حالا مردم زیر حرفی نزنند، هرچه بدقولی و بدعهدی بوده از سمت پیمانکاران و نماینده مسئولان بوده است. این حرف من به این معنی نیست که هیچ کس از مردم کلک نمی‌زد، این توسط خود مردم حل‌شدنی است اما مردم به‌طور کل زیر حرفشان نزنند. بنابراین یک سازمان مشارکتی بایستی شکل بگیرد که مکان و ساختاری داشته باشد، مثل سایر شوراهایی که ما داریم. نفس تشکیل چنین شوراهایی این است که مردم نمونه‌های موفق ببینند، بایستی سؤال و ابهام مردم پاسخ داده شود. باید روشن شود که این مدل موفق است. حتی نمونه‌های جهانی را نشان بدهیم. البته نباید بر این مردم تئوری بافی کرد بلکه باید در عمل صداقت را نشان داد.

❖ به پارادوکس فقر و توقع مشارکت پاسخی ندادید، تأثیر فقر اقتصادی و فرهنگی بر مشارکت چیست؟

❖ فقر هم مثبت و هم منفی است، در مناطق شهری و بالا شما نمی‌توانید مشارکت جلب کنید. چون هر کس می‌تواند مشکلاتش را حل کند، اما در حاشیه شهر فقیر بودن یک پتانسیل است، چون پول ندارند بایستی به کمک هم بیایند.

❖ مثال عینی بهسازی و نوسازی کالبدی است. چگونه بایستی از قشر فقیر یا متوسط توقع مشارکت داشته باشیم؟

❖ خودتان را جای مردم بگذارید، شما اگر مأثور تخریب آن خانه هستید، خودتان را جای آن مردم بگذارید، چه کاری می‌کند؟ شما آگاهی دادید، نفع دراز مدت را می‌بینید و خودتان راه حل می‌سازید، اگر این گونه فکر کردید خلافتتان هم گل می‌کند، چون اطلاعات دارید اما مردم ندارند. از این طریق گزینه‌های عادلانه را می‌بینید، ارزش‌های متفاوت مردم را می‌بینید، شاید به این نتیجه برسید که خانه در محله دیگر برایتان رهن کنند و رایگان ساکن شوید تا خانه فعلی ساخته شود، شبیه آنچه در ساخت‌وسازهای داخل شهر رخ می‌دهد، اگر هر شهردار یا مسئولی این گونه فکر کند، راه حل‌های مناسبی را پیدا می‌کند.

مردم الان بین خودشان و مسئولان فاصله می‌بینند و آن‌ها را فرصت طلب می‌شناسند، لذا باید این فاصله را کم کنید. متولیان باید سراغ کارهای کوچک اما زودبازده برون‌د تا مردم اعتماد کنند. اگر از اول از خانه خراب کردن صحبت کنی، هیچ کس مشارکت نمی‌کند، باین حال وقتی مردم نیاز مشترک داشته باشند، پتانسیل مشارکتشان بالاست. این خودش نشان‌دهنده ضرورت مشارکت مردمی است.

بدبینی مسئولان خودش باعث بی‌اعتمادی مردم می‌شود، فکر این که برخی از این مردم قاچاقچی هستند، خودش آن‌ها را قاچاقچی می‌کند. یک‌بار در یکی مساجد همین محل‌ها سخنرانی گفت که متأسفانه در این محل غیر هم دین هم داریم. منظورش فرق مذهبی دیگر بود. همان‌جا تذکر دادم که همه یک دین هستیم و غیر هم دین معنا ندارد، ما باید افراد مؤثر مثل روحانیان را آگاه کنیم، این‌ها باید وحدت را دنبال کنند، وحدت که با رحمت است، وقتی شهروند مشهد شدی، دیگر فرق نمی‌کند چه عقیده‌ای داری، باید به فکر شهر باشی و اصول آن را بپذیری. لذا نباید بر چسب بزنیم، اگر بر چسب خلافکاری زدیم، فرد وظیفه‌اش می‌داند که خلافکاری کند، نباید حاشیه و عقب‌مانده بگویید، این‌ها را جامعه‌شناسان قبول ندارند.

و صاحب‌خانه نگذاشت، نروم به پلیس بگویم، بلکه بروم به خود مردم بگویم. مشکل اساسی، عدم مشارکت سازمان‌ها و مردم، رسمی بودن است.

❖ اگر این معنای واقعی مشارکت را بپذیریم، چگونه می‌توان آن را در حاشیه شهر پیاده کرد؟

❖ اولین قدم باید آن‌ها را به عنوان شهروند بپذیریم، حقوقی برایشان تعریف کنیم، این که بگوییم شما به‌زور آمدید، جایی در شهر ندارید، در محدوده نیستید، درست نیست؛ وقتی این چنین باشد شما که برای حل مشکل بهداشتی می‌روی، با خودش می‌گوید چه دلیلی دارد که پیش ما آمده‌اند وقتی شهروند نیستیم. مردم همیشه اول می‌پرسند نفع من چیست؟ این نفع من را باید تبدیل کنیم به نفع ما. باید اصول حقوقی و معیارهایی را بپذیریم و این‌ها باید برابری، متعادلان و متوازن باشد.

❖ امکانش هست که برابر باشد؟

❖ برابر نه، متعادل باشد، الان مردم حاشیه می‌گویند ما محروم هستیم، دولت باید به ما کمک کند، پس این انتظارات مردم است، یک عده هم مثل نماینده‌ها رفت‌اند و انتظار ایجاد کرده‌اند اما عمل نکرده‌اند. جلب اعتماد، یکی از الزامات مشارکت است. اعتماد یعنی این که من علیرغم این که اطلاع ندارم شما به وظایف عمل خواهی کرد یا نخواهی کرد، قبولت می‌کنم اما اطمینان یعنی شما ضمانت اجرایی داری و بعد قبول می‌کنی. ما به مردم اطمینان نمی‌دهیم بلکه اعتماد می‌دهیم. پس بعد از نیاز و ایجاد تعادل در رابطه، نیاز به اعتماد داریم. اعتماد هم ضمانت اجرا می‌خواهد که به اطمینان تبدیل شود.

❖ حاشیه شهر چه ویژگی‌های اجتماعی دارد که بر مشارکت تأثیر گذار است؟

❖ فقر، نبود قانون و عدم رعایت هنجارهای رسمی، وضعیت نابسانان از هر لحاظ بهداشت و ... احساس بیگانگی، احساس طرد شدن، این‌ها ویژگی اجتماعی حاشیه شهر است، همچنین طولانی شدن برنامه‌های قبلی و نیمه‌کاره رها شدن آن‌ها، دلیل و سند روشنی برای بی‌اعتمادی به پروژه جدید است، یعنی سازمان برق اگر کارش را نیمه‌تمام رها کرده است، شرکت آب هم نمی‌تواند کار جدیدی بکند.

شما اگر می‌خواهید اعتماد مردم را جلب کنید، بایستی مرحله پاک‌سازی کنید. اول بایستی دستگاه‌ها هماهنگ شوند، هر دستگاهی که سهمش را رها کرده بایستی کارش را شروع کند، شرکت آب که می‌رود، شرکت برق را هم ببرد. با نظر خود مردم مقرراتی وضع کنید که اجرایی و شفاف باشد، احساس نکنند پشت پرده خبری است، بایستی صادقانه با مردم حرف زد.

❖ مردم این مناطق چه ویژگی‌های مثبتی دارند که به جلب مشارکت کمک می‌کند؟

❖ توقعشان پایین است، همچنین اولویت‌های آن‌ها گل کاری در خیابان نیست، بلکه نیازهای اساسی‌تری دارند، می‌خواهند یک طبقه بالای خانه‌هایشان بسازند. برای این مردم پروژه‌های موفق خیلی مهم است، بایستی نفع یک پروژه را به چشم ببینند، نفع این مردم آنی است، اگر بخواهید نفع آینده را بپذیرند، باید کار فرهنگی کرد. مردم این مناطق فردگرا هستند، این نفع را برای خودشان می‌خواهند، برای قوم و خویش و قبیله خودشان می‌خواهند نه برای دیگران، البته همین افراد در جاهایی که مسائل معنوی باشد، جایی که از مادیات دور بشوند از همه فداکارتر هستند، بنابراین اگر قرار است جلب مشارکتی صورت بگیرد، بایستی بحث معنویت و مادیات همراه مردم باشد. نیروی انسانی و وقت زیاد یکی دیگر از ویژگی‌های مثبت این مناطق است، مردم حاشیه حمایتگر هستند، الان شما به اساتید دانشگاه بگویید برویم حقم را بگیریم، ده نفر هم جمع نمی‌شوند، اما مردم حاشیه این گونه نیستند. هر کسی هر کاری از دستش بر بیاید انجام می‌دهد، علاوه بر این که وقتی ببینند که هم‌محله‌هایشان کاری می‌کنند، انگیزه‌شان هم بیشتر می‌شود.